پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
صص ۲۰۳-۲۲۴ (مقاله پژوهشی)

No. 32, Spring & Summer 2023

مستندیابی و کارکردشناسی معنای کثرت برای واژه «امر» در آیه ۱۶ سوره اسراء[۱]

میثم کهن‌ترابی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۶/۱۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۶/۲۱)

چکیده

ترجمه دستوردادن برای واژه امر، ترجمه‌ای است که در بادی امر به ذهن مترجم خطور می‌کند. در آیه ۱۶ سوره اسراء از آنجا که متعلق امر، فسق و مخاطب امر، مترفان هستند، مفهومی که ایفاد می‌شود آن است که خداوند به مترفان دستور به فسق می‌دهد و نهایتاً پس از عمل به فسق، آنان را نابود می‌سازد. پژوهش حاضر معنای کثرت را به‌جای دستور دادن برای واژه امر پیشنهاد می‌کند و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی، مستندات این معنا را احصا و مورد بحث قرار می‌دهد. شواهد لغوی وجود دارد که اثبات می‌کند، این معنا مسبوق به سابقه بوده‌است. هم‌چنین قرائاتی به‌جز قرائت حفص که گاه در قالب روایت از امامان شیعه نیز نقل شده، تأییدی دیگر بر این معناست. علاوه بر آن شواهدی در قرآن وجود دارد که کثرت مترفان و کثرت اموال آن‌ها ارتباط مستقیمی با عذابشان دارد. روایاتی نیز در همین راستا نقل شده است. از طرفی دیگر، اتخاذ این معنا تا اندازه زیادی شبهاتی که پیرامون این آیه مطرح است از جمله شبهه جبر را دفع می‌کند. بررسی مهم‌ترین ترجمه‌های فارسی نشان می‌دهد این معنا مغفول واقع شده و تعداد اندکی از مترجمین به آن توجه داشته‌اند. بیش از نیمی از ترجمه‌ها معنای دستور دادن را برگزیده‌اند. معانی دیگری از جمله وادارکردن، میدان دادن، امارت دادن نیز توسط مترجمین فارسی مورد استفاده قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: امر، دستور دادن، زیادکردن، جبر، آیه ۱۶ سوره اسراء.

---

۱. این مقاله از طرح پژوهشی شماره ۳۹۲۵۳ با عنوان «بررسی و نقد ترجمه‌های فارسی قرآن در ترجمه آیه ۱۶ سوره اسراء» که در دانشگاه بزرگمهر قائنات در دست انجام است، استخراج شده است.

۲. استادیار دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائنات، ایران؛ kohantorabi@buqaen.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۱. بیان مسئله

اگر گفته شود آیه ۱۶ سوره اسراء یکی از غامض‌ترین آیات قرآن کریم است، سخنی به‌گزافه نیست. مجادلات پردامنه‌ای که در تفاسیر و کتب کلامی پیرامون مباحث مطرح‌شده در این آیه درگرفته، گواهی بر این مدعاست که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌شود. متن آیه شریفه این است: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِکَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيراً» (الإسراء، ۱۶). مسائل مهم و چالش‌برانگیزی پیرامون این آیه مطرح است که غالباً به عدالت خداوند به ویژه در زمینه سنت‌های الهی و قوانین حاکم بر جامعه، کیفیت و اجرای آن و مقوله جبر و اختیار مربوط است. اوج این چالش‌ها در معناشناسی فعل «أَمَرْنَا» متجلی می‌شود که بر اساس آن مفهوم ارائه‌شده چنین است: وقتی می‌خواهیم جامعه‌ای را نابود کنیم، به نافرمانان آن شهر امر می‌کنیم و آنها به فسق می‌پردازند و هلاکت آنان قطعی می‌شود. اینکه مراد از امر در این آیه چیست، محمل نظرات متنوعی قرار گرفته‌است به گونه‌ای که برخی، محذوفی را در تقدیر گرفته و گروهی نیز با ارائه تفسیرهایی غالباً با صبغه کلامی سعی کرده‌اند شبهاتِ پیش‌آمده را پاسخ گویند. پژوهش حاضر به جهت اهمیت این آیه و فراوانی مسائل آن به دنبال آن است که با ارائه معنایی دیگر برای واژه «امر» که تا اندازه زیادی در ترجمه‌های فارسی مغفول واقع‌شده ــ اگرچه در اغلب تفاسیر مورد بحث قرار گرفته است ــ از پیچیدگی این آیه و مفاهیم مستخرج از آن بکاهد. این معنا، معنای «کثرت» برای واژه «امر» است. بنابراین مسائلی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است به قرار ذیل است:

۱ـ چه شواهدی برای در نظر گرفتن معنای «کثرت» برای واژه «امر» وجود دارد؟

۲ـ با لحاظ معنای کثرت، چه تفاوتی در مفهوم مستخرج از آیه پدید می‌آید؟

۳ـ ترجمه کثرت برای واژه امر در کدام ترجمه‌ها انعکاس یافته و فراوانی آن چقدر است؟

برای پاسخ به پرسش‌های فوق،منابع لغوی و تفسیری و حدیثی متعددی با اولویت منابع

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

متقدم مورد کنکاش قرار گرفت. همچنین سی و دو ترجمه فارسی که بیشتر مورد مراجعه و استناد هستند، بررسی شد.

۲. مقدمه

۲ـ۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

متکلمین در مجادلات کلامی همواره برای استحکام استدلال‌های خود به قرآن و حدیث استناد می‌کنند. علاوه بر آن به‌هنگام بروز تعارض میان احادیث، برای رفع آن به قرآن مراجعه می‌کنند. هم‌چنین است زمانی که حدیث با قرآن در تعارض قرار می‌گیرد. موضوع کیفیت مداخله خداوند در سرنوشت بشر و نقش او در مقوله جبر و اختیار از غامض‌ترین مباحث کلامی است. آیه ۱۶ سوره اسراء مستقیماً به این موضوع پرداخته و به‌همین سبب متکلمین مکرراً به آن مراجعه و در براهین خویش بدان استناد کرده‌اند. از طرفی پرواضح است که مفاهیم هراندازه که غامض باشند، ناگزیر در قالب واژه‌ها و جملات بیان می‌شوند. از این‌رو بررسی دقیق این واژه‌ها و جملات و دیگر اسالیب زبانی که در ارائه مفهوم اثرگذارند، در تمامی آیات قرآن به‌صورت عام و در آیاتی مانند آیه مورد بحث به‌صورت خاص بسیار مهم و ضروری است. چه‌بسا تدقیق بیشتر در مقولات فوق‌الذکر، از پیچیدگی مفهومی بکاهد و یا مفهومی جدید ارائه نماید که اساساً با چالش‌های قبل روبرو نباشد. در پژوهش حاضر همین مقصد دنبال شده و با تمرکز بر معنایی دیگر از واژه «امر»، بدنبال ارائه مفهومی دیگر از آیه ۱۶ سوره اسراء است که خالی از پیچیدگی‌های مفهوم مشهور از این آیه است.

۲ـ۲. پیشینه تحقیق

اگرچه تمامی تفاسیر به اقتضاء ارائه مفاهیم آیات قرآن به تفسیر این آیه پرداخته‌اند، لکن برخی تفاسیر از جمله تفسیر طبری، کشاف، ماوردی و المیزان به صورت مفصل و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

مستوفی آیه مذکور را به بحث گذاشته‌اند. سیدمرتضی در کتاب امالی و ابن‌قیم‌جوزیه در کتاب شفاء العلیل نیز مباحث مطروحه در این آیه را به گفتگو گذارده‌اند. علاوه بر این منابع، این آیه در سالیان اخیر و در قالب مقاله‌های علمی به صورت مستقل مورد بحث قرار گرفته‌است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. محمدحسین خوانین‌زاده و ابراهیم زالی در مقاله «تفسیر آیه ۱۶ اسراء، کشف مراد الهی و حل شبهات آن» که در شماره ۴۱ مجله مطالعات تفسیری منتشر شده‌است، سه شبهه مهم پیرامون این آیه را مطرح و پاسخ گفته‌اند. هم‌چنین قانون هلاکت اقوام را به بحث گذاشته و مادی‌گرایی را به عنوان علت اصلی آن اعلام کرده‌اند.

۲. سیده راضیه پورمحمدی و احسان کیوان در مقاله «بررسی دیدگاه تفسیری سیدمرتضی در آیه ۱۶ سوره اسراء در مقایسه با تفاسیر روایی محض اهل سنت» که در شماره چهارم مجله تفسیر متون وحیانی به چاپ رسیده‌است پس از بررسی صرفی و شأن نزول آیه به بیان دیدگاه سیدمرتضی و سه تن از مفسران قائل به تفسیر روایی یعنی بخاری، ابن‌ابی‌حاتم و سیوطی پرداخته و آن‌ها را با هم مقایسه کرده و چنین نتیجه گرفته‌اند که دیدگاه مفسران اهل سنت به جبر نزدیک‌تر است.

۳. سیده راضیه پورمحمدی و زهره اخوان‌مقدم در مقاله «مقایسه دیدگاه سیدمرتضی با زمخشری در معنای «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» «آیه ۱۶ سوره اسراء» که در شماره پانزدهم مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث منتشر شده، دیدگاه این دو دانشمند را پیرامون مباحث و شبهات مطرح‌شده در آیه ۱۶ سوره اسراء بیان کرده و استدلال‌های سیدمرتضی از جمله اعتقاد به وجود تقدیم و تأخیر در این آیه، مجازی بودن اراده و این که متعلق امرنا «طاعت» است را مورد تأکید و تأیید قرارداده‌است.

پژوهش‌های فوق‌الاشاره عمدتاً بر بیان شبهات مطرح پیرامون آیه و پاسخ به آنها متمرکز شده و جز به صورت اشاره‌وار به معنای کثرت در ترجمه واژه امر نپرداخته‌اند در حالی‌که پژوهش حاضر بر واژه «امر» تمرکز کرده و با ذکر شواهدی از لغت، تفسیر، قرآن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

و حدیث این پیشنهاد را مطرح کرده که معنای کثرت برای این واژه مورد استفاده قرار گیرد تا بدون نیاز به در تقدیر دانستن واژه یا واژگانی دیگر، معنایی ارائه شود که با چالش‌های کلامی کمتری مواجه باشد. از این رو می‌توان این پژوهش را حائز نوآوری دانست.

۲ـ۳. روش تحقیق

از آنجا که هدف پژوهش حاضر، ارائه معنایی متفاوت از معنای مشهور برای واژه «امر» است، لاجرم برای اثبات فرضیه خود و یا دست‌کم استحکام ادعای مطرح‌شده باید شواهد متقنی ارائه نماید. از این‌رو، منابع لغوی معتبر، تفاسیر متقدم با اولویت تفاسیر ادبی و منابع روایی فریقین مورد بررسی قرار گرفت و شواهد لازم استخراج شد. پژوهش پیش‌رو که از نوع تحقیقات بنیادی است با روشی توصیفی تحلیلی و با رویکردی انتقادی با تکیه بر استنادات مستخرج از منابع کتابخانه‌ای به‌انجام رسیده است.

۳. قرائات منقول پیرامون «أَمَرْنَا»

بررسی قرائات دیگری به‌جز قرائت مشهور یعنی حفص از عاصم که در کتب علم قرائت و در تفاسیر مختلف پیرامون واژه «أَمَرْنَا» نقل‌شده، از این‌جهت که برخی از قرائات نقل‌شده حاوی معنای مشترکی با معانی قرائت رایج است، می‌تواند به فهم بهتر مسئله حاضر کمک کند. در ارتباط با «أَمَرْنَا» به صورت کلی سه قرائت نقل‌شده‌است:

قرائت اول که همان قرائت حفص‌ازعاصم و به صورت «أَمَرْنَا» با میم مفتوح است. پیرامون معانی مختلف این قرائت، در جای خود سخن خواهیم‌گفت.

قرائت دیگری که برای این فعل نقل‌شده، قرائت «اَمَّرنا» با میم مفتوح و البته مشدّد است. این قرائت توسط افراد متعددی از جمله علی علیه‌السلام وزیدبن‌علی علیه‌السلام نقل‌شده است (ابن‌عربی، ۱۱۹۶/۳). نکته حائز اهمیت اینکه قرائت امرّنا از عاصم نیز نقل‌شده، چنانکه ابان‌بن‌تغلب که خود از راویان بزرگ بوده و طریق خود را به قرائت عاصم داشته‌است، این

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

قرائت یعنی « اَمَّرنا » را از عاصم نقل‌کرده‌است (ابن‌جوزی، ۱۶/۳). برای « اَمَّرنا » دو معنا ذکر شده‌است: معنای اول «زیاد کردیم» است (ابن‌عطیه، ۴۴۴/۳؛ بغـوی، ۱۲۵/۳). معنـای دوم، امارت دادن (ابن‌ابی‌حاتم، ۲۳۲۲/۷)، سلطنت کردن (طبرانـی، ۱۰۳/۴) و فرمـانروایی کردن (قرطبی، ۲۳۳/۱۰) است؛ به این معنا که هر زمان بخواهیم اهالی جامعـه‌ای را نـابود کنیم مترفانِ آنجا را حاکم می‌سازیم و در نتیجه آن در جامعه به فسق اقدام مـی‌کننـد و بـر اساس آن هلاکت جامعه محقق می‌شود.

سومین قرائتی که برای این واژه نقل شده قرائت «آمَرنا» اسـت (ابـن‌خالویـه، ۳۶۶/۱). برخی این قرائت را قرائتی ممتاز و مشهور می‌دانند (ابن‌قتیبه، ۲۱۵). از جمله افـرادی کـه این قرائت به آنها منسوب‌شده، علی﵇ و ابن‌عبـاس اسـت (سـمرقندی، ۲/ ۲۰۵). گرچـه برخی معنای این قرائت را همان حکومت دادن می‌دانند (بغـوی، ۳/ ۱۲۵)، لکـن اکثریـت قریب‌به‌اتفاق مفسران «آمَرنا» را صرفاً کثرت و زیاد کردن معنا کرده‌اند (دینـوری، ۴۵۲/۱؛ ماوردی، ۲۳۶/۳؛ طباطبائی، ۶۲/۱۳؛ تیمی، ۱۲۳/۱). لازم به ذکـر اسـت برخـی بـر ایـن باورند که اَمرنا همان آمرنا است که به جهت حذف تطویل و سهولت در تلفظ، یک همـزه‌یِ آن حذف شده‌است (ابوعبیده، ۳۷۳/۱). براساس آنچه گفته شد، معنـای غالـب و بلکـه بـا اندکی اغماض تنها معنای مطرح‌شده توسط مفسران برای قرائـت «آمرنـا» همـان «کثّرنـا» است. از طرفی همانگونه که در سطور پیشین نیـز بیـان شـد، تعـدادی از مفسـران معنـای «کثّرنا» را برای قرائت «اَمَّرنا» نیز بیان کرده‌اند. بنابراین وجه مشترک این دو قرائت، زیـاد کردن و افزودن است. بر این اساس ترجمه ارائه‌شده از آیه اینگونه خواهدبود :هنگامی کـه بخواهیم جامعه‌ای را نابود کنیم، مترفان را در آنجا افزون می‌کنیم و در نتیجه آن، در جامعه به فسق می‌پردازند و آنگاه هلاکت جامعه محقق می‌شود.

٤. معناشناسی واژه «اَمَرَ»

در قرائت رایج که همان قرائت حفص‌ازعاصم است، «اَمَرْنا» ذکرشده‌است. برای این فعل که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

صیغه متکلم مع‌الغیر و فاعل آن خداوند است، دو معنا ذکر شده‌است که در ادامه به صورت تفصیلی به بیان و توضیح هرکدام پرداخته می‌شود:

٤ـ١. امر در مقابل نهی

معنایی که در بادی امر برای فعل «أَمَر» به ذهن مخاطبِ امروز می‌رسد، همان امر و دستور در مقابل نهی است. «اَمرنا» یعنی فرمان دادیم. در کتب لغت پیش از ورود به تحلیل ریشه‌شناختی و تاریخی معنای «اَمر» همین معنا مطرح شده و «اَمْر» در مقابل نهی قرار گرفته است (زبیدی، ۳۱/۶؛ ابن‌منظور، ۲۶/۴). بر این اساس ترجمه آیه این‌گونه خواهد بود: «و هرگاه بخواهیم جامعه‌ای را نابود کنیم به مترفانِ آن جامعه فرمان می‌دهیم آنگاه آن‌ها به فسق می‌پردازند و به‌همین‌سبب هلاکت آن جامعه قطعی می‌شود». اگر این معنا را در نظر بگیریم، آنچه موجب ابهام در مفهوم عبارت فوق می‌شود آن است که متعلق فرمان الهی چیست؟ به عبارتی خداوند مترفان را به چه‌چیز فرمان می‌دهد؟ اگر متعلقِ امر را فسق و نافرمانی در نظر بگیریم؛ یعنی خداوند مترفان را به فسق فرمان می‌دهد، علاوه بر این که با عدالت و قاعده لطف ناسازگار و ناقض اختیار انسان است، با متن صریح قرآن کریم در تعارض است که می فرماید: «**وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**» (الأعراف، ۲۸): «و چون کار زشتی انجام دهند گویند که پدرانمان را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان‌داده‌است بگو: مسلماً خداوند به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟». بنابراین نمی‌توان متعلق فرمان الهی را فسق دانست. زمخشری استناد به این آیه را در تعیین متعلق امر، کافی نمی‌داند چون معتقد است ظاهر آیه دلالت بر امر به فسق دارد و نباید از ظاهر عدول کرد. بنابراین او معتقد است متعلق امر همان فسق است؛ یعنی «**أَمَرْنَاهُمْ بِالْفِسقِ فَفَعَلُوا**»، لکن امر در اینجا مجازی است؛ یعنی خدا درهای خیرات و نعمات را به روی آن‌ها می‌گشاید، ولی آن‌ها به جای بهره‌مندیِ صحیح، چنان آن را وسیله طغیان و تمرد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

قرار می‌دهند که گویا به آن مأمورند، اما حقیقت این است که خداوند این نعمات را برای شکرگزاری و استفاده در مسیر خیر به آنها عطا کرده‌است (زمخشری، ۶۵۴/۲).

با این‌وجود، مفسران متعددی بر این عقیده‌اند که متعلق امر، اطاعت خداست. استناد این گروه آن است که اصطلاح «اَمرتُکَ فَعَصَیتَنی» در کلام عرب رایج است؛ یعنی «من به تو فرمان دادم که از من پیروی و اطاعت کنی ولی تو با من مخالفت کردی» (طبرانی، ۱۰۳/۴؛ طوسی، ۴۵۸/۶). بنابراین اگرچه دیدگاه زمخشری با مجاز دانستن امر، تا حدودی مشکل را رفع کرده، اما با آیات دیگری از قرآن هماهنگی تام ندارد و بهتر است که متعلق امر را همان طاعت در نظر بگیریم (جوادی‌آملی،۳۵۳/۴۸). از این‌رو آیه اینگونه ترجمه می‌شود: «هرگاه بخواهیم جامعه‌ای را نابود کنیم، مترفان آن را به اطاعت فرمان می‌دهیم ولی آنها مرتکب نافرمانی می‌شوند و در نتیجه اراده خدا بر هلاکت آن قوم محقق می‌شود».

چنانکه در سطور فوق، اشاره شد، اکثر مفسرانی که متعلق امر در آیه ۱۶ سوره اسراء را فسق و نافرمانی نمی‌دانند به آیه ۲۸ سوره اعراف استناد می‌کنند که در آن امر به فحشا مؤکداً از خداوند نفی شده‌است و از آنجا که فسق نیز مصداق این نفی قرار می‌گیرد و خداوند هرگز امر به فسق نمی‌کند، پس نباید متعلق امر به فسق بدانیم. با این‌وجود، برخلاف زمخشری که معتقد به مجازی بودن امر به فسق است، دانشمندان دیگری نیز هستند که هم با مجازانگاشتن امر مخالفند و آن را خروج از ظاهر آیه می‌دانند و هم استناد به آیه ۲۸ سوره اعراف را صحیح نمی‌دانند. ابن‌قیم جوزیه این آیه را با آیه ۲۸ سوره اعراف متناقض نمی‌داند و معتقد است آن‌هایی که «اطاعت» را در آیه مقدر گرفته‌اند خود را در تکلّفی ناصواب انداخته‌اند؛ چرا که مراد از امر در این آیه امر تکوینی و نه تشریعی است. او برای این ادعای خود دلایل متعددی را مطرح می‌کند از جمله اینکه بر اساس عادت کلام عرب در چنین ترکیباتی، امر به آنچه پس از حرف «فاء» می‌آید، تعلق می‌گیرد مانند «اَمرتُه فَقام» و «اَمرته فَأَکَل». بنابراین در این آیه نیز امر به فسق صورت گرفته‌است. او در مقام ارائه دلیلی دیگر می‌گوید: امر به اطاعت مختص مترفان نیست، پس

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

صحیح نیست که آیه را بر آن حمل کنیم که اگر چنین شود ذکر نام مترفان بیهوده خواهد شد. همه‌یِ مردم یک جامعه مأمور به اطاعت هستند؛ پس نمی‌توان امر به مترفان را دلیل نابودی همگی آنها دانست. دلیل سومی که مطرح می‌کند این است که اقتضاء چنین ترکیبی این است که آنچه بعد از فاء می‌آید، بر آنچه که قبلاً آمده مترتب باشد؛ همانگونه که فسق علت «حق القول» است، پس امر علت فسق است. بنابراین امر، امر تکوینی است؛ یعنی آن‌ها به سبب مخالفت و معصیتی که انجام داده‌اند، این امر تکوینی در مورد آن‌ها صادر شده و امر به فسق صرفاً برای قطعی شدن آن است همانگونه که اراده خداوند بر نابودی قوم لوط تعلق گرفته‌بود، لکن ارسال ملائکه در قالب مهمان به خانه لوط و قصد قوم او برای تعرض به آنها موجب قطعی شدن این اراده شد (ابن‌قیم‌جوزیه، ۱۰۶-۱۰۷).

در این پژوهش قصد ورود به این مجادلات کلامی را نداریم، لکن به جهت تأثیرگذاری این مفاهیم بر ترجمه آیه، آراء مختلف مختصراً مطرح شد تا معلوم شود ترجمه‌ای که از واژه «امر» انتخاب می‌شود و همچنین محذوفی که در نظر گرفته می‌شود دو رکن اساسی برای ارائه ترجمه در آیه‌ای است که موجب مناقشات کلامی و تفسیری پردامنه‌ای شده‌است.

٤ـ۲. آمر به معنای افزودن

معنای دیگری که برای فعل «امر» ذکرشده «زیادکردن» و « افزودن» است. با عنایت به اینکه این معنا در ترجمه‌های قرآن کمتر مورد استفاده قرار گرفته و پژوهش حاضر ناظر بر تأکید بیشتر بر این معنا از «امر» است، در ادامه و در سه بخش شواهد لغوی و تفسیری، شواهد قرآنی و شواهد روایی به آن پرداخته می‌شود.

٤ـ۲ـ۱. شواهد لغوی و تفسیری

قریب‌به‌اتفاق منابع معتبر و متقدم لغوی و تفسیری در کنار «فرمان‌دادن»، معنای زیاد کردن و افزودن را نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند. برخی لغویان «آمَرَ» و «اَمَر» را فعلی واحد و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

به معنای «کَثَر» می‌دانند (ابن‌منظور، ۲۹/۴). این دیدگاه را برخی از مفسران نیز مطرح کرده‌اند (ابن‌قتیبه، ۱۸۶؛ سمرقندی، ۳۰۵/۲؛ میبدی، ۵۳۲/۵؛ ابوحیان، ۲۷/۷)؛ چنانکه از ابن‌عباس نقل‌شده که «اَمَرْنا مُترَفیها» یعنی «اکثرنا فُساقها» (ابن‌ابی‌حاتم، ۲۳۲۲/۷) و از ابن‌سیرین، عکرمه و مجاهد نیز نقل‌شده که معنای «امرنا» همان «اکثرنا» است (ابن‌عربی، ۱۸/۵). از قتاده (مکی‌بن‌حموش، ۴۱۶۵/۶)، عکرمه و ضحاک(ابن‌کثیر، ۵۷/۵) نیز همین معنا ذکر شده‌است.

البته برخی این اشکال را مطرح‌کرده‌اند که فقط «آمرنا» و «اَمّرنا» معنای کثرت می‌دهد نه «اَمرنا»، اما ابوعبیده معمربن‌مثنی «اَمرنا» را نیز هم‌معنای «آمرنا» و به معنای «کثّرنا» می‌داند و کاربرد آن را با نمونه‌هایی مشابه اثبات می‌کند (ابوعبیده، ۳۷۲/۱)

شایان ذکر است که در برخی آثار لغوی و تفسیری در مقام تحلیل ریشه‌شناختی واژه «امر»، معنای ابتدائی و ذاتی آن کثرت معرفی‌شده و برای وجه تسمیه «فرمان دادن» به «اَمر» توضیحاتی ارائه داده‌اند. از جمله اینکه «امر» آنگاه اتفاق می‌افتد که کثرت و فراوانی وجود داشته‌باشد. کسانی می‌تواند آمر باشند و دیگران را تحت فرمان خود درآورند که کثرت داشته‌باشند. غلبه و فرمان وابسته به زیادی و کثرت است (قشیری، ۳۴۱/۲). اساساً زمانی که کثرت وجود داشته‌باشد، احساس نیاز به وجود امیری است که امر و نهی کند (ماوردی، ۲۳۶/۳) و امور را سامان دهد (راغب اصفهانی، ۸۸).

این مطلب در جملاتی که میان اعراب مشهور بود نیز ظهور یافته‌بود چنانکه عرب می‌گفت:«مَن قلّ ذلّ و من اَمر فلّ» (فراهیدی، ۲۹۹/۸) یعنی «آنانی که اندک و کم‌شمارند، خوار می‌شوند و آنانی که بسیارند، غالب می‌شوند».

استفاده از «اَمر» به معنای «کثر» درصدر اسلام رایج بوده‌است. از ابن‌مسعود نقل‌شده که می‌گفت: ما وقتی می‌خواستیم کثرت و زیادی یک قبیله را بیان کنیم می‌گفتیم: «اَمر اَمر بنی‌فلان» (قرطبی،۲۳۳/۱۰). هم‌چنین وقتی می‌خواستند برای زنی به نیکی دعا کنند می‌گفتند: «اَمَرالله المُهرَة» یعنی خداوند فرزندانش را زیاد کند (ابن‌منظور، ۲۹/۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

٤ـ۲ـ۲. شواهد قرآنی

آیاتی از قرآن از لحاظ محتوایی دلالت بر آن دارند که یکی از مقدمات عذاب بدکاران، کثرت آنها و اطمینان آنها به این قدرت و ایمن دانستن خود از عذاب الهی است به گونه‌ای که با اتکاء به این کثرت عددی و نعمت‌های کثیری که در اختیار دارند به نافرمانی می‌پردازند و همین موجب نزول عذاب خداوند می‌شود. پیش از بررسی اجمالی برخی از این آیات، استناد به آیه‌ای از قرآن که در آن واژه «اِمْر» توسط مفسران به «عظیم» تفسیر شده و به نوعی مؤید معنای کثرت برای «امر» است، خالی از لطف نیست. در سوره کهف می‌خوانیم: «**فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا**» (الکهف، ۷۱): «پس به راه افتادند تا به کشتی سوار شدند. کشتی را سوراخ کرد. گفت: کشتی را سوراخ می‌کنی تا مردمش را غرقه سازی؟ کاری که می‌کنی کاری سخت بزرگ و زشت است». مفسران متعددی بویژه مفسران متقدم « إِمْرًا » را عظیم و بزرگ معنا کرده‌اند (تیمی، ۱۹۸/۱؛ واحدی، ۶۶۸/۲؛ ابن‌جوزی، ۹۹/۳). از تفسیری که برخی ارائه کرده‌اند برمی‌آید که آنها «امراً» را صفت برای موصوف محذوف می‌دانند؛ موصوفی که می‌تواند واژه‌ای مانند «نکراً» باشد یعنی کار ناپسند بزرگ (ابوعبیده، ۴۰۹/۱؛ مکی‌بن‌حموش، ۴۴۲۷/۶). زمخشری پس از اینکه «امراً» را «عظیماً» ترجمه می‌کند، می‌گوید وقتی گفته می‌شود: «من أمر الامر»یعنی «اذا عظم» (زمخشری، ۷۳۵/۲). برخی لغویون «امراً» را دقیقاً «کثیراً» ترجمه کرده‌اند (ابن‌جنی، ۱۶/۲).

در آیات متعددی از قرآن، کثرت عددی و نعمت‌های فراوان یک قوم بدکار، به عنوان مقدمه‌ای برای نزول عذاب برای آن‌ها معرفی شده‌است: «**قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ**» (القصص، ۷۸): «قارون گفت: این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام. آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟ (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

نمی شوند». قرآن به منافقان هشدار می‌دهد که گذشتگانی که اموال و اولاد بیشتری داشته و مرتکب نافرمانی شدند، به هلاکت رسیدند: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (التوبه، ۶۹)، «(شما منافقان،) همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه نفاق پیمودند؛ بلکه) آن‌ها از شما نیرومندتر، و اموال و فرزندانشان بیشتر بود! آن‌ها از بهره خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) استفاده کردند؛ شما نیز از بهره خود، (در این راه) استفاده کردید، همان گونه که آن‌ها استفاده کردند؛ شما (در کفر و نفاق و استهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه که آن‌ها فرو رفتند؛ (ولی سرانجام) اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد؛ و آن‌ها همان زیانکارانند!». خداوند در قرآن و در آیه‌ای دیگر صراحتاً از افرادی سخن می‌گوید که قدرت و ثروت بیشتری داشتند و پیامبران را که با نشانه‌های آشکار آمده‌بودند تبعیت نکردند و هلاک شدند و آنها به خودشان ستم کردند: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (الروم، ۹): «آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (امّا آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند». در آیات دیگری نیز همین مضمون مورد تأکید قرار گرفته‌است: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (غافر، ۸۲)، «آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! همانها که نفراتشان از اینها بیشتر، و نیرو و آثارشان در زمین فزونتر بود؛ امّا هرگز آنچه را به دست می‌آوردند نتوانست آنها را بی‌نیاز سازد و عذاب الهی را از آنان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

دور کند». آیاتی از سوره سبأ قرابت دقیق‌تری با آیه مورد بحث در این پژوهش دارد: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ» (سبا، ۳۴-۳۵): «ما در هیچ اجتماعی، هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه مترفان آن جامعه گفتند ما به آنچه که شما به خاطر آن فرستاده شده‌اید، کافریم و گفتند اموال و اولاد ما بیشتر است و ما هرگز عذاب نخواهیم شد». در آیه ۱۶ سوره اسراء که مورد بحث ما هست نیز از عذاب مترفان به واسطه فسق و نافرمانی در جامعه سخن گفته‌شده است. بنابراین اگر «امرنا»، «کثرنا» ترجمه شود، آیات سوره سبأ بهترین مؤید آن است.

اساساً کثرت مترفان و فاسقان یک جامعه، از جمله سنت‌های الهی است که پس از نافرمانی و انتخاب آگاهانه مردم آن جامعه محقق می‌شود. خداوند در قرآن از این سنت سخن گفته‌است: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (الأعراف، ۹۴-۹۵): «و در هیچ آبادی‌ای پیامبری را نفرستادیم جز آنکه اهل آن را به تنگدستی و سختی گرفتار کردیم باشد که به درگاه ما تضرع و زاری کنند سپس به جای ناخوشی، خوشی را جایگزین کردیم تا آنکه فزونی یافتند و گفتند به نیاکانمان نیز سختی و راحتی رسیده‌بود. پس ناگاه آنان را در حالی که بی‌خبر بودند فرو گرفتیم».

واژه «عفو» در این آیه به معنای «زیادکردن» است (طبرسی، ۶۹۵/۴؛ جرجانی، ۶۸۳/۱). اگر «امرنا» در آیه ۱۶ سوره اسراء به معنای «زیاد کردیم» معنا شود، مصداقی برای این سنت محسوب می‌شود. یعنی کسانی که از امتحانات الهی درس نگرفته و رو به سوی خدا نکردند بنابر این سنت گرفتار بلای خوشی و آسودگی می‌شوند و فزونی می‌یابند و این موجب عذابشان می‌شود. تاریخ گواهی می‌دهد که عذاب بر امت‌های کم‌شمار و در حال ضعف نازل نشده بلکه غالباً در حال کثرت و احساس امنیت و غروری که به‌واسطه این فراوانی آنها را در برمی‌گیرد نازل می‌شود (ماتریدی، ۵۰۹/۴). آیات دیگری نیز به سرمستی پس از بروز خوشی‌ها و افزودن نعمت‌ها و نقش آن در عذاب بدکاران اشاره کرده است (الأنعام، ۴۴؛ یونس، ۲۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

٤ـ۲ـ۳. شواهد روایی

لغویون و مفسرانی که «امر» را در این آیه به معنای «کثر» در نظر گرفته‌اند، غالباً به این سخن رسول اکرم استناد کرده‌اند که فرمود: «خیرالمال سکة مابورة و مهرة مأموره» (ابوعبیده، ۳۷۳/۱؛ ابن‌جوزی، ۱۶/۳؛ زمخشری، ۶۵۵/۲). مأموره در این جمله که از ریشه امر گرفته‌شده به معنای کثیر و فراوان است. مهرهٔ مأموره به معنای اسبی است که فرزند فراوانی به دنیا بیاورد (ابن‌اثیر، ۶۵/۱؛ ابن‌فارس، ۱۳۷/۱). این‌حدیث در منابع متقدم حدیثی آمده‌است (احمدبن‌حنبل، ۴۶۸/۳؛ صدوق، ۴۳۲). در برخی منابع تفسیری نقل شده که یکی از مشرکان به پیامبرﷺ گفت: «انی اری أمرک هذا حقیراً»: من این کار تو را ناچیز می‌بینم؛ پیامبرﷺ در پاسخ فرمود: «إنه سیأمر: یعنی بزودی زیاد و بزرگ می‌شود» (بغوی، ۱۲۴/۳). در اینجا نیز فعل اَمَر به معنای فراوانی و کثرت به کار رفته‌است (زمخشری، ۶۵۵/۲).

در تفسیر عیاشی حدیثی از امام باقرؑ نقل‌شده که ایشان در ارتباط با آیه ۱۶ سوره اسراء فرمود که «امرنا» به صورت مشدد و منصوب و تفسیر آن «کثّرنا» است. آنگاه اضافه فرمود که من این فعل را به صورت مخفف قرائت نمی‌کنم (عیاشی،۲۸۴/۲). منابع دیگری نیز این روایت را نقل‌کرده‌اند (بحرانی، ۵۱۵/۳؛ مجلسی، ۲۰۸/۵).

در تأیید معنای کثرت برای «امر» و نقش آن در نزول عذاب در یک جامعه روایتی در منابع اهل سنت وجود دارد که ام سلمه از پیامبرﷺ پرسید: به واسطه عمل عده‌ای خاص آیا ما هم هلاک می‌شویم در حالی‌که در میان ما افراد صالحی نیز وجود دارند؟ پیامبرﷺ پاسخ می‌دهد: آری اگر فاسقان زیاد باشند (مالک‌بن‌انس، ۱۴۴۳/۵). این روایت به اشکال دیگری نیز از راویان دیگری نیز بیان شده‌است: زینب‌بنت‌جحش می‌گوید پیامبرﷺ از خواب برخاست و فرمود: «لااله‌الاالله وای بر عرب از شری که نازل می‌شود». از ایشان پرسیدم: آیا ما هلاک می‌شویم در حالی‌که میان ما افراد شایسته‌ای حضور دارند؟ فرمود: بله اگر نافرمانان فراوان باشند (مسلم، ۲۲۰۷/۴؛ بخاری، ۵۰/۶).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۵. اقسام کثرت

غالب مفسران، مراد از کثرت را همان کثرت عددی دانسته‌اند (طبری، ۴۲/۱۵؛ ماوردی، ۲۳۵/۳) چنان‌که از ابن‌عباس عبارت «اکثرنا فسّاقها» در تفسیر «امّرنا» نقل‌شده‌است (ابن‌ابی‌حاتم، ۲۳۲۲/۷). بنابراین اکثر مفسران همان معنای اولیه که از کثرت به ذهن می‌آید را برگزیده‌اند یعنی ما نافرمانان، جباران، متنفذان و ثروتمندان آن‌ها را زیاد می‌کنیم (دینوری، ۴۵۲/۱؛ ماتریدی، ۲۱/۷).

از طرفی دیگر برخی مفسران این کثرت را کثرت در مال، فرزند و دارایی‌ها توصیف کرده‌اند؛ یعنی خداوند می‌فرماید: ما اموال و اولاد مترفان را فزونی بخشیدیم و آنان مرتکب فسق و نافرمانی در مورد این نعمت‌ها شدند (طباطبائی، ۶۲/۱۳).

برخی دیگر نیز این دو را باهم جمع کرده‌اند. مؤلف تفسیر روان جاوید می‌گوید: مراد آن است که چون اراده نمائیم هلاک بلدی را، زیاد می‌کنیم در آن اهل تنعم و تعیش را بزیاد نمودن نعمت و وسائل عشرت در آن به طوری که دنیاطلبان در آنجا جمع شوند و اهل آخرت از آنجا هجرت نمایند پس هلاک و ویران نمائیم آن بلد را با اهلش که فاسق و متمردند و این مهلت برای تکمیل استحقاق و تشدید عذاب آن‌هاست که سیره الهیه برآن جاری شده‌است و قرائت «آمرنا» که از علی﵇ نیز روایت‌شده مؤید همین است (ثقفی‌تهرانی، ۳۴۹/۳).

۶. بررسی مهم‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن

ترجمه‌های فارسی متعددی از قرآن کریم منتشر شده‌است، لکن در اینجا به مهم‌ترین و پرمراجعه‌ترین ترجمه‌ها رجوع شده تا معنایی که از «امرنا» ارائه داده‌اند مورد بررسی قرار گیرد. درج ترجمه‌ها به‌ترتیب حروف الفبایی براساس نام‌خانوادگی مترجم تنظیم شده است:

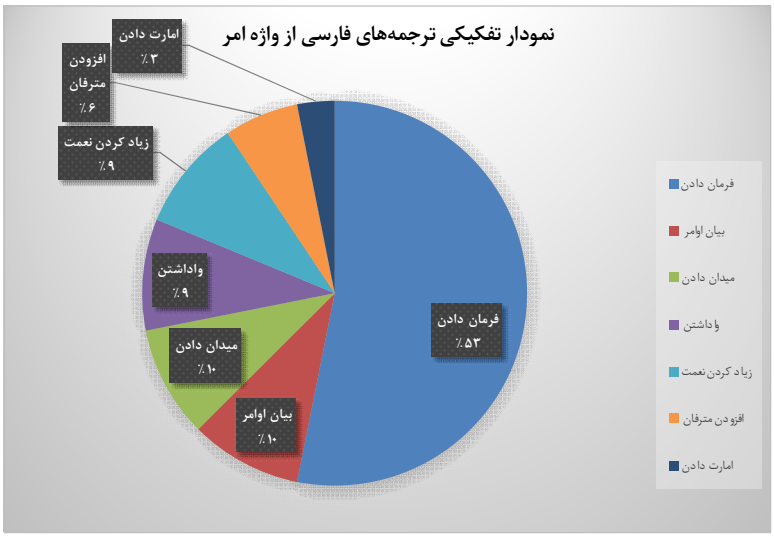
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

ردیف	نام ترجمه	ترجمه اَمرنا مترفیها
۱	آدینه‌وند	اوامر خود را برای مترفین آنها بیان می‌داریم
۲	ارفع	اوامر خود را برای ثروتمندان بی‌درد بیان می‌کنیم
۳	انصاریان	خوش‌گذران‌هایش را فرمان می‌دهیم
۴	آیتی	خداوندان نعمتش را بیفزاییم
۵	بروجردی	مردم متنعم و خوشگذران آن دیار را امر می‌کنیم
۶	پاینده	عیاشانشان را امارت دهیم
۷	پورجوادی	به متنعمانشان فرمان دهیم
۸	حجتی	به مترفین و ثروتمندان و همه متنفذانی که در غفلت و بی‌خبری هستند و به دستورات ما اعتنایی ندارند فرصت می‌دهیم
۹	حداد عادل	توانگران هوسران آن شهر را وامی‌داریم
۱۰	خسروی	امر می‌کنیم توانگران و متنعمین و رؤسا و بزرگان آن‌ها را
۱۱	دهلوی	دیهی را می‌فرمائیم به سرکشان آنجا
۱۲	رضایی	به سردمداران ثروتمندش فرمان می‌دهیم
۱۳	رهنما	توانگران آن را فرمان می‌دهیم
۱۴	سراج	امر کنیم سرکشان را
۱۵	شعرانی	می‌فرمائیم به طاعت به نازونعمت سرشدگانش را
۱۶	صفوی	بر نعمت توانگران و مرفهان آن می‌افزائیم

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۱۷	صلواتی	نازپزوردگانش را فرمائیم
۱۸	طاهری	به طبقه عیاش آن میدان می‌دهیم
۱۹	فارسی	خوشگذرانانش را بسیار گردانیم
۲۰	فولادوند	خوشگذرانانش را وا می‌داریم
۲۱	کاویان‌پور	نعمت فراوان به آنان می‌بخشیم
۲۲	کوشا	هوسرانانِ سرکش آنها را میدان می‌دهیم
۲۳	گرمارودی	به کامروایان آن فرمان می‌دهیم
۲۴	مرکز فرهنگ قرآن	خوشگذرانانش را وامی‌داریم
۲۵	مشکینی	خوشگذران‌های آنها را امر می‌کنیم
۲۶	مصباح‌زاده	می‌فرمائیم به نازپروران
۲۷	معزی	بفرمائیم کامرانان آن را
۲۸	مکارم شیرازی	اوامر خود را برای مترفین آنجا بیان می‌کنیم
۲۹	نسفی	متنعمان ایشان را به طاعت فرمائیم
۳۰	نوبری	به آنها نعمت بزرگ فراوان دادیم
۳۱	الهی قمشه‌ای	متنعمان را امر کنیم
۳۲	یاسری	امر کردیم به طاعت و عبادت معلمان و بزرگان ایشان را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]



همانگونه که از نمودار فوق، پیداست، بیش از نیمی از ترجمه‌های فارسی معنای «فرمان‌دادن و امر کردن» را برای واژه امر برگزیده‌اند. برخی مترجمین معنای «وادارکردن» را مورد استفاده قرار داده‌اند که قرابت مفهومی با فرمان و دستور دارد. گروهی از معنای «میدان‌دادن و فرصت دادن» استفاده کرده‌اند، لکن با بررسی منابع لغوی، برای واژه امر چنین معنایی در این منابع یافت نشد[۱]. یکی از مترجمین، معنای امارت دادن را ـ احتمالاً مستند به قرائت «امّرنا» که برخی آن را امارت دادن معناکرده‌اند، برگزیده‌است. این معنا با معنای میدان‌دادن قرابت دارد. به‌عبارتی چه‌بسا آنانی که معنای میدان‌دادن را برگزیده‌اند، همین معنای امارت دادن را با اندکی تسهیل و با فروکاستن بروز خارجی آن از فرمانروایی کردن به نفوذداشتن و قدرت‌داشتن، مدنظرداشته‌اند که مصادیق گسترده‌تری دارد و علاوه بر حاکمان و فرمانرویان، متنفذّان و کسانی که به‌موجب بهره‌مندی از قدرت و ثروت، آزادی و

۱. به‌عنوان نمونه، یکی از جدیدترین و محققانه‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن که اخیراً توسط نشر نی منتشر شده‌است، ترجمه محمدعلی کوشاست که بسیاری از ترجمه‌های خود را به‌خصوص در مورد واژه‌هایی که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مورد اختلاف هستند در پاورقی به منابع لغوی ارجاع داده و توضیحی نیز ارائه کرده است. این مترجم معنای «میدان دادن» را برای واژه امر برگزیده، لکن استنادی برای ترجمه خود ارائه نداده است. البته همانگونه که در متن مقاله نیز بیان شد، این احتمال دور از ذهن نیست که میدان دادن، معنایی گسترده‌تر از همان امارت دادن و فرمانرواکردن باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

نفوذ عمل بیشتری دارند را شامل می‌شود.

قریب به پانزده درصد ترجمه‌ها معنای افزودن و زیادشدن را برای واژه امر برگزیده‌اند. البته برخی از این ترجمه‌ها، این کثرت را در تعداد مترفان دانسته‌اند و گروهی دیگر متعلق کثرت را نعمت و دارایی محسوب کرده‌اند. پیشنهاد پژوهش حاضر، تمرکز بر این معنا از واژه امر است؛ چه اینکه هم بر اساس مطالب مذکور در پژوهش حاضر، مستند بر شواهدی لغوی، قرآنی و روایی است و هم مفهومی مطلوب‌تر از آیه ارائه می‌دهد.

نتایج مقاله

معنای کثرت که برای واژه «امر» مورد پیشنهاد پژوهش حاضر است مؤیداتی دارد. با انجام پژوهش حاضر مؤیدات ذیل حاصل شد:

۱. ارائه این معنا در منابع لغوی و تفسیری متقدم یکی از این مؤیدات است به‌گونه‌ای که اصطلاحات و کلمات قصار و مشهوری در میان اعراب وجود داشته که در آنها واژه امر به معنای کثرت مورد استفاده قرار گرفته‌است.

۲. قرائات دیگری که برای واژه «امر» مطرح شده از جمله «امّرنا» دیگر مؤیدِ معنای کثرت برای این کلمه است.

۳. آیاتی از قرآن، بویژه آیاتی که از فراوانی فاسقان در جوامعی که مستحق عذاب هستند و ارائه این فرآیند به عنوان یک سنت الهی نیز این معنا را تأیید می‌کنند.

۴. روایاتی از شیعه و سنی وارد شده که با استناد به آنها می‌توان به مقبولیت این معنا برای واژه «امر» گواهی داد.

با این اوصاف، پیشنهاد این پژوهش آن است که معنای کثرت اعم از کثرت عددی و کثرت در اموال و دارایی برای ترجمه واژه امرنا ارائه شود تا از غوامض این آیه به‌ویژه پیچیدگی کلامی آن بکاهد. بر اساس این معنا از واژه امر و با عنایت به دیگر آیات قرآن مفهومی که از این آیه ارائه می‌شود اینگونه قابل تبیین است: هر زمانی که به‌موجب کثرت عددی و یا فراوانی دارایی‌های مترفان، فسق و نافرمانی در جامعه شیوع پیدا کند، اراده خداوند بر نابودی آن جامعه تعلق می‌گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم؛ ترجمه‌های:

- آدینه‌وند، محمدرضا، تهران: نشر اسوه، ۱۳۷۷ه.ش.
- آیتی، عبدالمحمد، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ه.ش.
- ارفع، کاظم، تهران: انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۸۱ه.ش.
- الهی قشمه‌ای، مهدی، چاپ دوم، قم: انتشارات فاطمه‌الزهراء، ۱۳۸۰ه.ش.
- انصاریان، حسین، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ه.ش.
- بروجردی، محمدابراهیم، چاپ ششم، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ه.ش.
- پاینده، ابوالقاسم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷ه.ش.
- پورجوادی، کاظم، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۴۱۴ه.ق.
- حجتی، مهدی، چاپ ششم، قم: انتشارات بخشایش، ۱۳۸۴ه.ش.
- حداد عادل، غلامعلی، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ه.ش.
- خسروانی، علیرضا، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۰ه.ق.
- دهلوی، ولی‌الله، سراوان: کتابفروشی نور، بی‌تا.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم: دارالذکر، ۱۳۸۳ه.ش
- رهنما، زین‌العابدین، تهران: سازمان اوقاف، ۱۳۵۴ه.ش.
- سراج، رضا، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰ه.ق.
- شعرانی، ابوالحسن، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۴ه.ش.
- صفوی، رضا، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ه.ش.
- صلواتی، محمود، تهران: نشر مبارک، ۱۳۸۷ه.ش.
- طاهری قزوینی، علی‌اکبر، تهران: نشر قلم، ۱۳۸۰ه.ش.
- فارسی، جلال‌الدین، تهران: نشر انجام کتاب، ۱۳۶۹ه.ش.
- فولادوند، محمدمهدی، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ه.ق.
- کاویان‌پور، احمد، چاپ سوم، نشر اقبال، ۱۳۷۲ه.ش.
- کوشا، محمدعلی، تهران: نشر نی، ۱۴۰۱ه.ش.
- موسوی گرمارودی، علی، چاپ دوم، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۴ه.ش.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ه.ش.
- مشکینی، علی، چاپ دوم، قم: نشر الهادی، ۱۳۸۱ه.ش.
- مصباح‌زاده، عباس، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان، ۱۳۸۰ه.ش..
- معزی، محمدکاظم، قم: نشر اسوه، ۱۳۷۲ه.ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، چاپ دوم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ه.ش
- نوبری، عبدالمجید، تهران: نشر اقبال، ۱۳۹۶ه.ق.
- یاسری، محمود، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی، ۱۴۱۵ه.ق.

۲. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمان‌بن‌محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبة نزارمصطفی‌الباز، ۱۴۱۹ه.ق.

۳. ابن‌اثیر، مجدالدین مبارک بن احمد، *النهایة فی‌غریب الحدیث و الأثر*، تحقیق: طاهراحمدالزاوی و محمودالطناحی، بیروت: مکتبةالعلمیه، ۱۳۹۹ه.ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۴. ابن‌بابویه، ابوجعفرمحمد، *معانی الأخبار*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۱ه.ش.
۵. ابن‌جنی، ابوالفتح، *المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات و الایضاح عنها*، قاهره: المجلس الإعلی لشئون‌الإسلامیه، ۱۴۱۵ه.ق.
۶. ابن‌جوزی، عبدالرحمان‌بن‌علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق: عبدالرزاق‌مهدی، بیروت: دارالکتاب‌العربی، ۱۴۲۲ه.ق.
۷. ابن‌خالویه، حسین‌بن‌احمد، *إعراب القرائات السبع و عددها*، قاهره: مکتبة الخانجی، ۱۴۱۳ه.ق.
۸. ابن‌عربی، محمدبن‌عبدالله، *أحکام القرآن*، تحقیق: علی‌محمد یحاوی، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۰۸ه.ق.
۹. ابن‌عطیه، عبدالحق‌بن‌غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۲۲ه.ق.
۱۰. ابن‌فارس، ابوالحسین‌احمد، *معجم مقاییس‌اللغه*، تحقیق: عبدالسلام‌محمدهارون، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ه.ق.
۱۱. ابن‌قتیبه، عبدالله‌بن‌مسلم، *تفسیرغریب‌القرآن*، شرح: ابراهیم‌محمدرمضان، بیروت: دارمکتبةالهلال، ۱۴۱۱ه.ق.
۱۲. ابن‌قیم‌جوزیه، محمدبن‌ابی‌بکر، *شفاءالعلیل فی مسائل القدر و الحکمة و التعلیل*، قاهره: دارالتراث، بی‌تا.
۱۳. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر، *تفسیرالقرآن العظیم*، تحقیق: محمدحسین‌شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۱۹ه.ق
۱۴. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ه.ق.
۱۵. ابوحیان، محمدبن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی‌جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ه.ق.
۱۶. ابوعبیده، معمربن‌مثنی، *مجازالقرآن*، تحقیق: فؤاد سزگین، قاهره: مکتبةالخانجی، ۱۳۸۱ه.ق.
۱۷. احمدبن‌حنبل، ابوعبدالله، *مسند أحمد*، تحقیق: شعیب ارنووط و دیگران، بیروت: مؤسسه‌الرساله، ۱۴۱۶ه.ق.
۱۸. بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ه.ق.
۱۹. بخاری، محمدبن‌اسماعیل، *صحیح البخاری*، قاهره: وزارةالاقاف مصر، ۱۴۱۰ه.ق.
۲۰. بغوی، حسین‌بن‌مسعود، *تفسیر البغوی (معالم‌التنزیل)*، بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی، ۱۴۲۰ه.ق.
۲۱. تیمی، یحیی‌بن‌سلام، *تفسیر یحیی‌بن‌سلام*، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۲۵ه.ق.
۲۲. ثقفی‌تهرانی، محمد، *روان‌جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران: نشر برهان، ۱۳۹۸ه.ق.
۲۳. جرجانی، عبدالقاهربن‌عبدالرحمان، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، تصحیح: محمدعلی‌مشکور، اردن: دارالفکر، ۱۴۳۰ه.ق.
۲۴. جوادی‌آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم: مرکزنشراسرا، ۱۳۹۸ه.ش.
۲۵. دینوری، عبدالله بن محمد، *تفسیر ابن‌وهب(الواضح فی تفسیر القرآن الکریم)*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ه.ق.
۲۶. راغب‌اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ه.ق.
۲۷. زبیدی، مرتضی، *تاج‌العروس*، تحقیق: علی‌شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۴م.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، تصحیح: مصطفی‌حسین احمد، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ه.ق.
۲۹. سمرقندی، نصربن‌محمد، *تفسیرالسمرقندی(بحرالعلوم)*، محقق عمر عمروی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ه.ق.
۳۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی‌للمطبوعات، ۱۳۹۰ه.ق.
۳۱. طبرانی، سلیمان‌بن‌احمد، *التفسیر الکبیر*، اردن: دارالکتاب‌الثقافی، ۲۰۰۸م.
۳۲. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: هاشم رسولی، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ه.ش.
۳۳. طبری، محمدبن‌جریر، *جامع البیان فی تفسیرالقرآن*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ه.ق.
۳۴. طوسی، محمدبن‌حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی، بی‌تا.
۳۵. عیاشی، محمدبن‌مسعود، *تفسیر عیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: مکتبةالعلمیةالإسلامیه، ۱۳۸۰ه.ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، *کتاب العین*، تحقیق: مهدی‌مخزومی، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ه.ق.
۳۷. قرطبی، محمدبن‌احمد، *الجامع لأحکام القرآن*، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۵ه.ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۳۸. قشیری، عبدالکریم‌بن‌هوازن، *لطائف الإشارات*، تحقیق: ابراهیم بسیونی، قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰م.
۳۹. ماتریدی، محمدبن‌محمد، *تأویلات اهل السنه (تفسیرماتریدی)*، تحقیق: مجدی باسلوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ه.ق.
۴۰. مالک‌بن‌انس، *الموطأ*، تحقیق: محمدمصطفی اعظمی، ابوظبی: مؤسسه زاید بن‌سلطان، ۱۴۲۵ه.ق.
۴۱. ماوردی، علی‌بن‌محمد، *النکت و العیون*، تعلیق: سیدبن‌عبدالمقصودعبدالرحیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ه.ق.
۴۳. مسلم‌بن‌حجاج نیشابوری، *صحیح مسلم*،تصحیح: محمدجواد عبدالباقی، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ه.ق.
۴۴. مکی‌بن‌حموش، *الهدایة الی بلوغ النهایه*، شارجه: جامعة الشارقه، ۱۴۲۹ه.ق
۴۵. میبدی، احمدبن‌محمد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ه.ش.
۴۶. واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۵ه.ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]